

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال نوزدهم، شماره هفتادوششم

زمستان ۱۳۹۷

روند شکل‌گیری عثمانی در روزگار تکوین (۷۱۶-۸۰۴ ق)؛

از غازی‌گری تا دولت‌یابی

تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۲/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۴/۲۰

احمد فلاح زاده^۱

خلافت عثمانی به عنوان آخرین امپراتوری اسلامی، در دوران شکل‌گیری، مراحل مختلفی را پشت سر نهاد. قوس صعودی این دستگاه حکومتی از بیگ‌نشین ساده به ترتیب به سوی امارت، دولت و خلافت نشان دهنده چند مرحله، جابه‌جایی اندیشه سیاسی - نظامی قدرت در آن است. دست یافتن این سلسله به سازمان‌دهی سیاسی - نظامی در یک دوره تاریخی، ریشه در شکست سلجوقیان روم، جغرافیای متصرفات و انگاره آنها درباره فتوحات دارد. البته در این میان، نقش ساختار دینی منطقه آناتولی، ترک‌گرایی در این منطقه، اندیشه غزا و غازی‌گری ترکان و فرآیند سقوط امپراتوری بیزانس را نباید از نظر دور داشت. مقاله پیش رو با روش توصیف و تحلیل داده‌ها بر آن است که با واکاوی ساختار قبایلی زندگی ترکان، میراث عثمانیان از سلجوقیان، گفتمان‌های اعتقادی در فتوحات عثمانی، بهره‌گیری عثمانی از اندیشه‌های صوفیانه، گزینش فقه حنفی و نقش سیاسی زبان ترکی نشان دهد که خلافت عثمانی در سده نخست

۱. دانش آموخته حوزه علمیه قم و دکترای دانشگاه مذاهب اسلامی تهران (ahram12772@yahoo.com).

حیات خود از آغاز فتوحات عثمان (۷۱۶ ق) تا فترت حاصل از پیروزی تیمور بر بایزید (۸۰۴ ق)؛ یعنی از غازی‌گری تا تشکیل دولت، چهار مرحله را پشت سر گذاشته است.

کلیدواژگان: خلافت عثمانی، عثمان غازی، اورخان بیگ، مراد اول، بایزید اول.

۱. مقدمه

امپراتوری عثمانی با بیش از شش سده حکومت، دوره‌های گوناگونی را در روند شکل‌گیری قدرت پیمود. شواهد تاریخی نشان می‌دهد، عثمان غازی (۶۵۶-۷۲۶ ق)^۱ بنیان‌گذار سلسله عثمانی به عنوان فرمانده ترکمانان نیمه چادرنشین در مناطق مرزی، تحت امر مظفر الدین یاولاک ارسلان، حاکم قسطنونلی (۶۷۹-۹۱۱ ق) مشغول نبرد بوده است. این که او چگونه به عنوان بنیان‌گذار یک سلسله ظهور کرد؟ یک مسئله تاریخی محور است.^۲

اشاره تاریخ به حمله هلاکوخان مغول در صفر ۶۵۶ ق به بغداد و گریز ابوالقاسم احمد مستنصر بالله، وارث خلافت عباسی به قاهره و تداوم عباسیان در قاهره تا هفده نسل، اشاره به دوران جدیدی در موضوع ترکان فاتح است.^۳ این سلسله از آغاز که نماینده پیش‌گام دولت سلجوقی در مرزهای مبارزه با روم بود تا زمانی که مسیر تبدیل به یک امپراتوری یک‌پارچه را طی کرد، مراحل بسیاری را گذراند.

۱. معاصرانش، نام وی را عثمان جوق یا عثمان جق به معنای عثمان کوچک نوشته‌اند (ابن بطوطه، رحله ابن

بطوطه، ج ۲، ص ۱۹۷؛ قلقشندی، صبح الأعشی فی صناعة الإنشاء، ج ۸، ص ۱۵).

۲. اینالچق، امپراتوری عثمانی: عصر متقدم، ص ۵۵.

3. Gábor Ágoston, Bruce Masters, Encyclopedia of the Ottoman Empire, New York, 2008, p 3.

به عبارتی دقیق‌تر، تحول در عثمانی در هر سده، مراحل چندگانه را به خود دید. از غازی‌گری به عنوان نخستین مرحله در هندسه قدرت این خاندان تا زمانی که حاکمان عثمانی، عنوان خلیفه بر خود نهادند، مراحل فراوانی در این دولت مشاهده می‌شود. این پژوهش، مراحل سلطه در سده نخست این سلسله را در گذار از چهار دوره می‌داند و در پی مستند سازی این مراحل از لابه‌لای گواهان تاریخی است. منظور از شکل‌گیری سیاسی - نظامی در دوران تکوین دولت، مجموعه رفتارهای سیاسی - نظامی و محلی است که قدرت محلی عثمانی پیمود تا به دولتی بلند بالا در همسایگی بیزانس تبدیل شود. این بررسی در پی یافتن چگونگی شکل‌گیری نظام سیاسی و ساختار نظامی عثمانی در سده نخست این سلسله است.

۲. پیشینه بحث

درباره موضوع مراحل شکل‌گیری سیاسی - نظامی این خاندان در دوران تکوین دولت، متن مستقلی نوشته نشده است. البته شماری از نوشته‌ها به برخی از مفاهیم این موجود در این مقاله اشاره می‌کنند. برای نمونه، خلیل اینالچق در کتاب *امپراتوری عثمانی: عصر متقدم ۱۳۰۰-۱۶۰۰* در گفتاری هفت صفحه‌ای با عنوان از امارت مرزی تا امپراتوری ۸۰۸-۷۵۵/۱۴۰۲-۱۳۵۴ به دوره امارت در این سلسله می‌پردازد.

پس از او، فریدون امجان در مقاله *دولت عثمانی؛ از پیدایش تا فترت*^۱ به سیر دولت عثمانی از شکل‌گیری تا حمله تیمور اشاره‌ای سیاسی - نظامی دارد که روند بررسی و نتایج آن با مقاله پیش رو متفاوت است. مقاله *غازی‌گری در آناتولی از عثمان غازی تا غازی مصطفی کمال*^۲ هم پیشینه غازی‌گری در مناطق آناتولی و روملی را از زبان صلاح‌الدین دوقوش سخن می‌گوید.

1. Osmanlı Devleti'nin Kuruluşundan Fetret Dönemine.

2. Osman gazi'den gazi Musrafa'e anadolu gazileri.

هم‌چنین، مروت یانار با نوشتن پایان نامه ارشدش در موضوع جایگاه غازی‌گری در آغاز کار عثمانی^۱ به سنت غازی‌گری می‌پردازد. آقای ایوب باش در مقاله دین، فرهنگ و حیات در آغاز دولت عثمانی^۲ همان‌طور که از نامش پیدا است به مباحث زمینه‌ای در شکل‌گیری عثمانی رو کرده است. در ادامه می‌توان کتاب تاریخ نظامی‌گری در عثمانی^۳ از مسعود اویار و ادوارد ج. اریکسون را معرفی کرد که در نوع خود برای شناخت نظامی‌گری در عثمانی کتاب شایسته‌ای است.

در این میان، متن درسی تاریخ عثمانی با عنوان از بیگی تا دولت (۱۳۰۰-۱۴۵۳)^۴ یک‌سره از دوران بیگی به عصر دولت‌مداری در عثمانی پای نهاده است و بدون دسته‌بندی و اشاره به دوره‌های شکل‌گیری دولت، روزگار پس از فطرت را در بر می‌گیرد. ارهان متین با مقاله پیدایش دولت عثمانی^۵ سری به چگونگی شکل‌گیری سیاسی این سلسله زده است. سه نویسنده دیگر؛ یعنی جزمی کاراسو، توقچه ساکریا و اکتای بربر در کتاب عثمان غازی؛ نخستین‌ها و کاراجا حصار^۶ روند شکل‌گیری سیاسی دولت عثمانی را تنها در روزگار عثمان می‌کاوند. هم‌چنین، مجموعه مقالات ترک‌ها^۷ با هفتاد و دو مقاله در دو بخش به دوران شکل‌گیری عثمانی‌ها می‌پردازد که باز هم، مراحل شکل‌گیری این دولت در سده نخست را این چنین به بحث نگرفته است.

اکنون در چهار قالب مؤلفه‌های اجتماعی-فرهنگی، سیاسی، نظامی به چگونگی شکل‌گیری دولت عثمانی در عصر تکوین می‌پردازیم.

1. osmanlı devleti'nin kuruluşunda gazilerin rolü.
2. Osmanlı Devleti'nin Kuruluş Döneminde Din Kültürü ve Hayatı.
3. Amilitary history of the ottomans.
4. Beylikten devlete (1300-1453).
- 5 osmanlı devleti'nin kuruluşun.
- 6 Osman gazi ilkler ve karacahisar.
- 7 Türkler.

۳. بررسی اجتماعی-فرهنگی شکل‌گیری عثمانی در عصر تکوین دولت (۸۰۴-۷۱۶ ق)

۳-۱. ساختارهای اجتماعی جامعه ترکان؛ از شرق اسلامی تا آناتولی

جامعه ترکی هم‌چون بسیاری از جوامع دیگر، ساز و کارهای خاصی را برای شکل‌گیری می‌پیمود. این جامعه در آغاز بر اساس ساختار بسیار ساده بوی^۱ شکل می‌گرفت که با وجود ابتدایی بودن، قدرتی متشکل بود که از جمع یک خاندان پدید می‌آمد. ریاست بوی بر عهده تودون^۲ قرار داشت.

در مرحله بعد، از گردآمدن چند بوی در کنار هم، نظام دیگری به نام ایل شکل می‌یافت که ریاست آن بر دوش یابغو بود. جمع تعدادی از ایل‌ها، جمعیت بزرگتری را شکل می‌داد و نام خاقان درست در همین زمان بر سرزبان‌ها می‌افتاد. بدین ترتیب، همه یابغوها در سلطه خاقان قرار می‌گرفتند. گاهی این خاقان‌ها بی آن‌که خود را آخرین زنجیره قدرت بدانند با اتحادشان، اعلام یک ایلخان می‌نمودند.^۳

در هندسه زندگی ترکان نخستین، مقام خاقان یا کاقان، بالاترین مرتبه‌ای بود که می‌توانست ریاست عامه را برعهده بگیرد.^۴ در اندیشه سیاسی ترک‌ها، حکومت سرآغازی آسمانی داشت که اگر به شخصی بخشیده می‌شد، او در همان حال به سعادت (کوت)^۵ می‌رسید. در این زمان دو خصیصه قدرت و گزینش خاندانی، بال‌های دیگری بودند که به یاری حاکم جدید می‌آمدند.^۶

1. Boy.

2. Tudun .

3. gökalp,ziya, *Türk devletinin tekamülü*, hazırlayan kazım yaşar koraman, s 3.

4. Akman, Mehmet, *Osmanlı devletinde kardeş katli*, s27.

۵. منظور از کوت، قدرتی ماورایی بود که ترکان در مراتب قدرت، به آن معتقد بودند. از دید آنها، قدرت

امری آسمانی بود که به افراد خاصی سپرده می‌شد.

۶. همان، ص ۲۸.

با این حال در حکومت‌های ترکی، اعضای خاندان مترصد هرگونه فرصتی برای به دست آوردن شانس ریاست بودند و آن را از جانب قدرت بخش آسمانی (کوت) می‌دانستند.^۱ آنچه در جابه‌جایی قدرت در به ارث رسیدن حکومت از پدر به پسر دیده می‌شد، نوعی پاس‌داشت نام پدر بود. از این رو بر مبنای رسمی کهن در میان ترکان، حکومت سهم پسر بزرگ‌تر بود.^۲

این تمام آن چیزی نبود که به همراه ترکان به آناتولی منتقل شد. در واقع، اندیشه ترکی در فتوحات به ضمیمه ترک‌گرایی و همدلی با قبایل ترک از رشته رفتارهای موروثی حاکمان عثمانی^۳ بود. از این رو، وقتی بایزید به دیگر امارت‌های ترک یورش برد، امیرنشین‌های ترک آناتولی، رفتار او را دست‌درازی به قوانین ترکی دانستند و این گونه به دست خود، مقدمات نظری حمله تیمور به قلمروی خویش را فراهم کرد.

در واقع، طرح گسترش مناطق ترک‌نشین در دل بیزانس، درست بر اساس اندیشه ترک‌گرایی ریخته شد؛ زیرا آن‌گاه که بایزید، علی پاشا جندرلی زاده، وزیر اعظم را برای محاصره قسطنطنیه فرستاد، یکی از درخواست‌هایش این بود که همراه با ساخت یک مسجد در آن‌جا، محله‌ای ترک‌نشین در آن شکل گیرد و برای آن شهر، حاکم شرع معین شود.^۴

اگر کمی به عقب برگردیم در ترکی شدن آناتولی، جنگ ملازگرد (۴۶۳ق) که آلپ ارسلان (۴۶۵-۴۵۵) سلطان سلجوقی در آن، امپراتور بیزانس رومانوس دیوجانس

۱. همان، ص ۳۱.

۲. همان، ص ۳۲.

۳. برخی از تفسیرهای عثمانی تبار، دلیل پیروزی عثمان در رزم‌ها و تشکیل قدرت را احترام فراوانش به قرآن می‌دانند و برایش ماجرای خواندنی، نوشته‌اند (بروسوی اسماعیل حقی، تفسیر روح البیان، ج ۴، ص ۲۹).

4. Haldun Eroğlu, OSMANLI LARIN 1453 ÖNCESİ İSTANBUL KUŞATMALARI S 8.

(۴۶۳ق/۱۰۷۱م) را شکست داد نقطه عطفی به شمار می‌رود؛ چرا که از این پس ترکان به قصد کوچ و اقامت به این منطقه سرازیر می‌شدند.^۱

با این حال، پیش از این تاریخ، ترکمن‌های کوچ‌نشین به مناطق مختلف آناتولی مهاجرت کرده بودند و در ترکی سازی آن نقش اساسی داشتند. گذشته از این‌ها، برخی از غازیان پس از پایان جنگ به قرارگاه‌های خود بازنگشته و در همان مناطق سکنا می‌گزیدند.^۲

یکی از نکاتی که نمی‌توان از آن گذشت، قدیمی بودن تجارت راه شمال ایران به آناتولی بود که مسیری آشنا برای ترکان به شمار می‌رفت. چنان‌که از دیرباز یورش‌های ترکان این سوی ارس در مسیر این جاده‌های تجاری بود. پاره‌ای از تحقیقات نشان می‌دهند که ترکان در مسیر ورود به آناتولی چهار مرحله را پیموده‌اند:

یکم. ستیز با حاکمان قبایل بر سر خواسته‌های شخصی؛ دوم. نبرد زیر پرچم حاکم قبیله‌ای، این بار علیه یک بیگ‌نشین دیگر؛ سوم. هجوم احساسات ناشی از اشتباهی دست‌یابی به سرزمین‌های جدید برای تغذیه خود و گله‌ها و چهارم. همراهی با سلجوقیان در جنگ‌های دولت سلجوقی با رقابیش و هر از چندی سرکشی و درگیری با همین دولت.^۳

انگیزه ترکانی که به سوی آناتولی می‌آمدند، حضور در نبرد با بیزانس، تجارت و گله‌داری بود.^۴ این نکته را باید بیافزاییم که پیش از عصر سلجوقی، ترکان مسیحی رو به آناتولی نهاده بودند و از امپراتور، زمین‌هایی را دریافت کرده بودند. به گونه‌ای که با یورش‌های سلجوقیان به بیزانس، بخشی از سرزمین‌هایی که در اختیار آنها قرار گرفت، ساکنانش، ترکان مسیحی بودند.^۵

1. KAYA, Abdullah, BAŞLANGICINDAN 1071'E KADAR TÜRKLERİN ANADOLU'YA AKINLARI HAKKINDA BİR DEĞERLENDİRME, s 227.

۲. دورسون، دین و سیاست در دولت عثمانی، ص ۱۴۰.

3. Cahen, claude, *Türklerin Anadolu'ya ilk girişi*, s 9.

۴. همان، ص ۲۱۳.

۵. همان، ص ۲۱۵.

مدتی بعد، جامعه مسلمانان آناتولی عبارت بود از ترکان، عرب‌ها و فارس‌یانی که به آن‌جا کوچیده بودند.^۱ در این میان، درگیری‌های ارمنیان و بیزانس به دلیل تفاوت مذهبی دو گروه و شکنجه و آزار ارمنی‌ها از سوی بیزانس، نوعی تشتت درونی در میان مسیحیان را رقم زده بود.^۲ جماعت ارمنی، ترکان را به مراتب، بهتر از بیزانس ارتدکس می‌دانستند و به آنها می‌پیوستند.^۳

پیش‌تر، ارمنستان مرزهای خود را برای ورود و خراب‌کاری در بیزانس در اختیار دیگران قرار داده بود^۴ اما با تصرف مناطق ارمنی و سریانی‌نشین از سوی ترکان، دیگر استیلای کلیسای بیزانس در آن مناطق به پایان می‌رسید و کلیساهای ارمنی و سریانی احیا می‌شدند.^۵

۳-۲. باورهای دینی جامعه ترکان در فتوحات عثمانی سده نخست

اعتقاد نخستین ترک‌ها؛ یعنی همان شمنیزم^۶ دارای این مفهوم بود که بلاهایی که بر انسان‌ها وارد می‌شود، برآیند گناهای است که پیش‌تر مرتکب شده‌اند.^۷ بدین ترتیب برای هر یورش، نخست، استحقاق حمله نسبت به مکان را مطرح می‌کردند. آن‌گاه به عنوان سربازان عذاب به آن می‌تاختند.

۱. همان، ص ۲۱۸.

۲. همان، ص ۲۱۸-۲۱۹.

۳. همان، ص ۲۱۸.

4. Claude, s 28.

۵. همان، ص ۵۸.

۶. شمنیزم از باورهای اولیه ترکان بود و به وسیله شمن‌ها که از نظر ترک‌ها، قادر به ارتباط با خدا و مسلط بر فنون سحر و جادو بودند، تبلیغ می‌شد. از آن‌جا که آنها سبب خیر و دوستی و مرتبط با غیبت شمرده می‌شدند، ترکان این افراد را برای حل مشکلات خود، نزد خدا واسطه قرار می‌دادند. رک:

Drury, neville, Şamanizm, şamanlığın öğeleri, s19

7. Drury, s 30.

با چنین پشتوانه فکری، یورش به سرزمین‌های دیگر در نگاهی قومی، دلیل گناهان پیشین اهل آن دیار بود.^۱ در گفتاری گسترده‌تر، می‌توان مدعی شد در میان تمامی ترکانی که امروز به اسلام گرویده‌اند به دلیل سابقه شمنی ایشان، هنوز هم رگه‌هایی از این آیین در مراسم و رفتارهای آنها دیده می‌شود.^۲

برخی معتقدند پیشینه بکتاشیه و علویان همان اندیشه‌های شمنی است.^۳ چکامه‌ای که سعدالدین به‌وسیله آن شخصیت عثمان را ستود به خوبی نشان می‌دهد، عثمان این نبردها را رزمی خدایی می‌دانست که در راه گسترش اسلام و ماندگار شدن نام نیک از آنها بهره می‌گرفت.^۴

هم‌چنین، از نامه مراد اول به اورانوس، حاکم دست‌نشانده عثمانی در جنوب مقدونیه بر می‌آید که عثمانیان، سرزمین‌های فتح شده را بخششی آسمانی از سوی خدا و به برکت پیامبر ﷺ می‌دانستند.^۵ در این میان، عالمان دینی با همراهی خود، مشروعیت و شوق بیشتری به این حرکت‌های دینی می‌بخشیدند.^۶ پیروان آنها؛ یعنی چهار گروه از جنگ‌جویان دینی به ترتیب غازیان روم، آخیان روم، آبدالان روم و باجیان روم همگی شاهدان این ادعا هستند.^۷

۱. همان، ص ۴۲.

2. İnan, Abdülkadir, *Tarihte ve bugün şamanizm Materyaller ve araştırmalar*, s 204-207.

3. Şener, Cemal, *Şamanizm*, s72.

۴. هربرت آدامس کیونس، عثمانلی ایمپراطورلرک قورولوشی، ص ۳۸.

5. Murgescu, Bogdan, *Osmanlı imparatorluğu*, S 42.

6. Cezmi karasu, *Osman gazi ilkler ve karacahisar*, odunpazarı belediyesi, s 24-25.

۷. همان، ص ۲۵.

فقیهی سرشناس به نام دورسون (د. ۷۲۶ ق) و درویشی نام‌دار به نام اده بالی (د. ۷۲۶ ق) پدرِ همسر عثمان که دورسون، تفسیر، حدیث و اصول و فروع را نزد او آموخته بود، شانه به شانه یک‌دیگر به جنگ‌های عثمان صورتی‌خدایی می‌بخشیدند.^۱ همراهی این فقیه و درویش، بیان‌کننده همراهی سیاسی-نظامی دو شاخه از مذهب در آن روزگار است.^۲ در لابه‌لای این جابه‌جایی اندیشه‌ها، مفاهیمی چون شهادت و بهشت جاودان از سخنان فقیهان و مرشدهای صوفی به مجاهدان تزریق می‌شد.^۳

البته یک روی سکه پیشرفت عثمانی، این بود که در باور دینی آنها، استفاده از مسیحیان در قدرت، نقش خاصی داشت. با آن که شمار غیرمسلمانان در سراسر امپراتوری عثمانی در بهترین حالت، سی و پنج درصد از همه شهروندان بود،^۴ بیشترین میزان مسامحه عثمانیان را در شیوه اداری آنها می‌توان مشاهده کرد؛ یعنی جایی که ارتدکس‌ها در ساختار مدیریت اداری وارد می‌شدند. پیش‌گام این کار سلجوقیان آناتولی بودند که به همین شیوه از کاربران مسیحی استفاده می‌کردند و در حقیقت این روش از آنها به یادگار ماند.^۵ از سوی دیگر در ادامه سیاست دوری از آزار غیرمسلمانان، همواره پس از هر فتوحی، امور دینی اهل کتاب به خودشان واگذار می‌شد.^۶

از این‌ها که بگذریم، ایدئولوژی غذا یا همان جنگ مقدس،^۷ اندیشه‌ای قرآنی بود که نخستین، سنگ بنای دولت عثمانی و بهترین توجیه‌گر حمله‌های این دولت بود. همان‌طور

1. Gel, Mehmet, *Kuruluş Devri Osmanlı "Fakı" Zümresinin Tipik Bir Öncüsü : Tursun Fakı*, s 109.

2. Murgescu, Osmanlı imparatorluğu, S 40.

3. çöllüoğlu, Sami, *Cihat Hakkında Ehl-i İslama*, s 162.

4. Bilal Eryılmaz, *Osmanlı Devletinde Gayrimüslim Tebaanın yönetimi*, s 77.

5. Ekincilik, *Mustafa, Türk ortodoksları*, S 103.

6. Bilal Eryılmaz, *Osmanlı Devletinde Gayrimüslim Tebaanın yönetimi*, s 29 .

7. Emecen, Feridun, *Osmanlı Devleti'nin Kuruluşundan Fetret Dönemine*, s 7.

که امیر نشین عثمانی، خود را در زمره دولت‌های غازی می‌دید. مستند این ادعا، لقب غازی است که برای سلاطین عصر تکوین دولت به کار رفته است.^۱

البته در فرهنگ امیرنشین‌های مرزی، غلبه با این مفهوم بود. جنگ‌های بی پایان با کفار با عنوان غزا به تشکیل گروه‌هایی انجامید که تحت فرمان غازی بودند و دعای خیر شیوخ، اسباب تأیید و استقرار رهبران شمرده می‌شد.^۲ از این رو، نخستین امیران این سلسله هم‌چون عثمان (۷۲۵-۶۷۹ق) و اورخان (۷۲۵-۷۶۲ق)، لقب غازی داشتند.^۳

۳-۳. جایگاه زبان ترکی در دوران تکوین دولت

با تأمل در رویدادهای سده‌های ششم تا نهم هجری به راستی می‌توان، این سه قرن را سده‌های ترکی نامید؛ چرا که جهان اسلام در آن عصر، دست کم در بخش شرقی، قلمروی گسترده ترکان بود. زبان ترکی به عنوان شاخصه این قوم و گذرگاهی برای عبور اخلاق و باورهای ترکان از زبان‌هایی بود که همراه خود، بخش زیادی از فرهنگ کوچ نشینی، آیین‌های اجتماعی و باورهای نژادی را به آسیای صغیر منتقل کرد.

ناسیونالیسم چه در شمایل قوم‌گرایی و چه در قالب نژاد خواهی و گسترش قدرت در میان ترکان، همواره بخشی از باورهای درونی این قوم بود. از سوی دیگر، عصر ترکمانان در آناتولی و روملی، دوران حضور میراث بران سلجوقی بود که خود

۱. ر.ک:

Cezmi karasu, tuğçe m sakarya, oktay berber, *Osman gazi ilkler ve karacahisar*.

۲. نمونه‌هایی از این امر را در آغاز کار عثمانی دیده می‌شود. ر.ک:

Gel, Mehmet, *Kuruluş Devri Osmanlı "Fakı" Zümresinin Tipik Bir Öncüsü : Tursun Fakı*.

۳. تقی شیردل، بررسی نقش و کارکرد طریقت‌های صوفی در امپراتوری عثمانی با تأکید بر طریقت بکتاشیه»، تاریخ در آینه پژوهش، سال هشتم، ش ۳، ص ۱۳۱ به نقل از پی.ام.هولت و آن.ک.س.لمبتون، تاریخ اسلام،

ص ۳۶۳.

زنجیره‌ای زبانی از نوع ترکی را در میان آنها قرار می‌داد. در همان زمان در آسیای صغیر، حتی برخی از فقها در عصر اورخان در زاویه‌ها، فارسی صحبت می‌کردند اما این ترکی بود که یگانه مؤلفه سلسله عثمانی در برابر دیگر دولت‌های اسلامی عربی-فارسی شمرده می‌شد.

با آن‌که در آن زمان، هنوز زبان ترکی به زبان دربار و دیوان تبدیل نشده بود، عثمانی‌ها توانستند بنای زبانی دولت خویش را بدون پیشینه‌ای در میان دولت‌های اسلامی، بر پایه زبان ترکی استحکام بخشند. البته آغوش باز زبان ترکی به روی فارسی و عربی به دلیل استیلای این دو زبان بزرگ اسلامی و چهره‌های علمی، ادبی و دیوانی حاملان این زبان در آناتولی، اصلی‌ترین ویژگی این زبان بود.^۲

درست بر همان اساسی که بناهای تاریخی میان ایران و عثمانی، دوش به دوش هم در معماری پیشرفت می‌کردند،^۳ زبان به داد و ستد صمیمانه مشغول بود.^۴ عثمانی‌ها هرگز در پی این نبودند که به مخالفت زبانی با فارسی یا عربی دست بزنند؛ زیرا زبان ترکی در این سده، چنان با فارسی و عربی درهم تنیده شده بود که چنین کاری، دیوان ویژه‌ای می‌طلبید که در حوزه توان ادیبان ترک نبود.

از سوی دیگر، تلاش عثمانیان برای قرار گرفتن زبانی مادری خویش در کنار زبان‌های دیوانی-دینی جهان اسلام؛ یعنی فارسی و عربی، دارای نوعی نگاه سیادت ترکانه قلمداد می‌شد.

۱ این بطوطه، رحله، ج ۲، ص ۲۱۰.

۲ عبدالقادر قره خان، تکامل شعر در ادبیات عثمانی و تاثیر ادبیات ایران در آن، ص ۵.

۳ ریتز، کارل ف، «آرایش ساختمانهای ایرانی و عثمانی، تبادل شیوه‌های معماری در سده‌های یازدهم (ششم هجری) تا چهاردهم میلادی (نهم هجری)»، ترجمه مسعود رجب نیا، هنر و مردم، ۱۳۴۸، شماره ۸۹.

۴ ریاحی، محمد امین، «نفوذ زبان ادبیات فارسی در قلمرو عثمانی»، یغما، اردیبهشت ۱۳۴۹، ش ۲۶۰.

حقیقت آن است که در یک بررسی زبانی ترکی عثمانی، می‌توان گفت که بخش قابل توجهی از گستره واژگانی این زبان در اختیار زبان‌های عربی و فارسی بود^۱ اما خصوصیت زبان فارسی این بود که در زمینه شعر و ادب، حال و هوای خاصی به شنوندگانش می‌بخشید که ویژه سرزمین‌های خوش‌نشین و مردم اهل بزم و شادی بود. از این رو، عثمانیان که رو به سرزمین‌های خرمی روی نهاده بودند، چنین ادبیاتی را بسیار دلنشین می‌دانستند.^۲ جالب آن که حتی مولوی و شاعران ایرانی آناطولی، ادبیات عارفانه خود را به فارسی می‌سرودند.^۳

یک دقیقه این که تغییر و تحول زبانی در نظام زبان ترکی و آمیختن با زبان‌های فارسی و عربی در هر یک از دوره‌های تاریخ عثمانی، متمایز از دورانی دیگر است. به نظر می‌رسد، نظام دگرگونی آرام یا همان تغییر تدریجی گرتنه برداری زبانی در دوران عثمان به دلیل سادگی شمایل حکومت تا حدود بسیار کمی تحت تأثیر دیوان‌سالاران بود، اما در عهد اورخان و بعدها مراد و بایزید به دلیل گسترش قلمرو و تغییر ساختار قدرت، زبان ترکی دربار، از حالت ساده خود به زبانی دست‌خوش ادیبان و دیوان‌سالاران درآمد که نیازمند الگو برداری فراوان از دیوان‌سالاری ایرانی و واژگان خاص فقه اسلامی-عربی بود. البته در دوران گردش شرقی خلافت عثمانی به سوی سرزمین‌های اسلامی عرب زبان و در راستای تشکیل خلافت واحده، عثمانی‌ها تلاش زیادی کردند زبان ترکی را به

۱. از این رو، پس از فروپاشی عثمانی، ترکان جوان به خالص سازی زبان ترکی از واژگان عربی و فارسی پرداختند و بنیاد زبان ترکی را برپا کردند. با وجود خالص سازی زبان ترکی، هنوز هم آثار فراوان ساختاری و واژگانی زبان عربی و فارسی در ترکی جدید به خوبی دیده می‌شود. برای نمونه ر.ک: کتاب آموزشی زبان ترکی استانبولی «yeni hitit».

2. koç, yunus, fatih yeşil, nizami cadıd kanunları(1791-1800) , s 1b-74a.

۳. محمد امین ریاحی، «مولوی و ادبیات مولویه»، پژوهشنامه ادب حماسی، دوره ۵، ۱۳۸۸، ش ۹، ص ۴۰.

هم‌گرایی زیادی با زبان عربی وادار سازند تا در خور فهم اعراب شود و آنان سیادت ترکان را بپذیرند.

۴. بررسی سیاسی

۱-۴. میراث سلجوقی در قلمروی نخستین عثمانی

قلمروی سلجوقیان روم در حقیقت، گستره اسلام ترکان در سرزمین‌های نزدیک به بیزانس بود. با این تفاوت که با یورش‌های جدید تاتار، فرهنگ جنگ‌آوری ترکان در آناتولی با نگاه روزآمدتری معرفی می‌شد. دیدگاهی که از پیروزی‌های بزرگ ترکان حکایت می‌نمود. این خلُق نظامی که سینه به سینه در ترکان از شرق تا آناتولی، دست به دست می‌شد با اسلام مغولان در پایانی‌ترین سال‌های سده هفتم،^۱ معادله ترکان مسلمان را نسبت به بیزانس مسیحی در صحنه نظامی‌گری و سیاست برهم زد.

بنابر برخی از گزارش‌ها، اسلام ترکان به عصر قراخانیان باز می‌گردد^۲ اما مغولانی که تا چندی پیش، خواسته یا ناخواسته، امیال کلیسا را در سرزمین‌های اسلامی عملی کرده بودند^۳ اکنون نگاهی مالکانه به سرزمین‌های بیزانس داشتند. البته در این میان، هنوز نقش اقتصادی جاده ابریشم در آسیای صغیر برای عثمانی‌ها مشخص نبود.^۴

این پیشینه که ترکان مسلمان در حکومت عباسیان پس از مدتی به گروه فشار پر قدرتی بدل شدند،^۵ مقدمه‌ای تاریخی بود تا پیروزی حکومت سلجوقی در رویارویی با

۱. مستوفی، تاریخ‌گزیده، ص ۷۶۴، ۶۰۲.

2. aydar, *hidayet, türklerde anadilde ibadet meselesi -başlangıçtan cumhuriyet dönemine kadar*, s 50-51.

۳. ن.ک: معصومه گودرزی، روابط اروپا با دربار مغول، پارسه، اردیبهشت و آبان ۹۱، شماره ۱۸-۱۹.

4. İbret, Ünal, *TARİHİ İPEK YOLU ÜZERİNDEKİ BİR ANADOLU ŞEHİRİ : TOSYA (KURULUŞU VE GELİŞMESİ)*, S 11 .

۵. دورسون، دین و سیاست در دولت عثمانی، ص ۱۲۹.

بیزانسی‌ها در ملازگرد (سال ۱۰۷۱ میلادی)، دروازه‌های آناتولی را به روی ترک‌های مسلمان بگشاید.

ناگفته نماند در این نبرد بزرگ، کردهای مروانی، حسنویه، روادى و شدادى به یاری سلجوقیان آمدند.^۱ البته، نخستین ترکان حاضر در سرحدات بیزانس، طوایف یک‌پارچه اُوغوز^۲ بودند که در آینه تاریخ، تحولات بزرگی را در آن جا رقم زدند.^۳ زمانی که سلجوقیان توان خود را در مرکز از دست دادند، ایالت دیار روم در آناتولی برای کسب استقلال سیاسی به جنب و جوش افتاد.^۴

حکومت سلجوقی با ترکیب سنت‌های اسلامی و عادات مردم ترک و نوع حکومتی که ایجاد کرد، توانست حکومت‌های پس از خود را تحت تأثیر قرار دهد. عدم تمرکز در حکومت که در حکومت‌های باستانی ترک متداول بود از زمان سلجوقیان تا دوره حکومتی سلطان محمد فاتح اعمال می‌شد.^۵ البته در سراسر تاریخ عثمانی، گرته برداری پرننگ از دولت‌های دیگر موج می‌زد. آن گونه که عثمانیان پس از مرگ ملکشاه سلجوقی به سنت‌های سیاسی - اداری دولت بزرگ سلجوقیان ادامه دادند و همان نهادها را حفظ کردند.^۶

بعدها نظام اولوش که صورتی از همان قوانین پیشین بود با این تفسیر که مناطق مختلف کشور در مالکیت مشترک اعضای خانواده حاکم باشد و در میان مردان خانواده تقسیم و اداره شود، دلیلی شد تا سلطانی که قرار بود در مرکز مستقر شود، پس از درگیری‌های خونین بر تخت بنشیند.^۷

1. BİÇER, Bekir, *SELÇUKLULAR VE KÜRTLER*, S 167.

۲. گروه‌های یک‌پارچه ترکان را اُوغز می‌گفتند.

3. Inalcık, Halil, *Osmanlı Devleti'nin Kuruluşu*, s 104.

۴. همان، ص ۱۳۳.

۵. همان، ص ۱۴۳.

۶. همان، ص ۱۴۰.

۷. همان، ص ۱۴۲.

آنچه مهم است این‌که اندیشه سیاسی ترکان آن روزگار، متأثر از فتوحات باورنکردنی ترکان مغول، دربر دارنده نوعی نگاه پیروزمند در رزم بود. از این رو، چشم انداز هر یورش، همواره نوعی حس پیروزی را یدک می‌کشید. عثمانیان با گذر زمانی طولانی در سلطنت توانستند این موضوع را رنگ و بوی اسلامی بخشند و با عنوان خلافت اسلامی به این وضعیت، صورتی اسلامی دادند.^۱

سلجوقیان در فضایی زندگی می‌کردند که دین در مقابل اقتدار سیاسی، کارکرد مهم و تعیین کننده‌ای نداشت. کافاس اوغلو بر این باور است که اقوام ترک به دلیل جدا دانستن دین و دنیا توانستند پیشرفت کنند.^۲ دیدگاهی که بیشتر برگرفته از ساختار سکولار ترکیه امروزی است. به هر روی، حال و هوای آغاز فتوحات عثمانی به خوبی نشان داد که آنان از هیچ فرصتی برای قلمرو افزایی نگذشتند.^۳

۴-۲. آمیختگی سیاست و اندیشه‌های صوفیانه در هندسه قدرت

ترکمن‌ها پس از آمدن از ماوراءالنهر، سیلی عظیم از باورهای خویش را به همراه آوردند. باورهای نخستین آنها در خراسان، آهنگی صوفیانه داشت؛ چرا که تصوف که با فرهنگ عامه در آمیخته بود و طرفدار اندیشه اسلامی مبتنی بر تسامح بود، نظر آنان را جلب کرد و از حمایت آنان برخوردار گردید.

در ساختار جامعه شناسی سیاسی عثمانی، سازوکار سکونت به این شکل بود که در روستاهای یک‌جانشین، ائمه جماعات که مسئول رسیدگی به عبادات مردم بودند و شیوخی که در زوایا و خانقاه‌ها به فعالیت صوفیانه می‌پرداختند، حضور داشتند.^۴

1. Mumcu, ahmet, *osmanli devletinde siaseten katl*, s 183.

۲. همان، ص ۱۳۶.

3. Eryılmaz, Bilal, *Osmanlı Devletinde Gayrimüslim Tebaanın yönetimi*, s 29.

۴. دورسون، دین و سیاست در دولت عثمانی، ص ۱۶۴.

اشاره به سی و شش نحله صوفی در آن دوران، نمایشی از وضعیت صوفیان آن عهد است.^۱ معروفترین این سلسله‌های صوفی پیروان غزالی (د. ۱۱۱۱ق)؛ قادریه که بنیان‌گذار آن عبدالقادر گیلانی (د. ۱۱۶۶ق) بود؛ کبرویه که با نجم‌الدین کبری (د. ۸۰۶ق) شناخته می‌شود؛ ملامتیه^۲؛ اکبریه^۳ و یسویه^۴ بودند. در کنار نقش‌بندیه^۵ و بکتاشیه^۶، بی‌تردید طریقت مولویه مولانا جلال‌الدین رومی (د. ۷۲۲ق) را می‌توان یکی از نفوذترین طریقت‌ها در این سده دانست. مولویه در شهرها و بکتاشیه در روستاهای دور از مرکز شهرها و سرحدات طرفداران فراوانی داشتند.^۷ القاب آشنای بابا، آده، دده^۸ و آبدال در میان دراویش این زمان در حالی می‌چرخید که انعکاسی از فکر صوفی و درویشی در قلمروی عثمانی بود. این سلسله صوفیان، چنان در

۱. شیردل، بررسی نقش و کارکرد طریقت‌های صوفی در امپراتوری عثمانی با تأکید بر طریقت بکتاشیه»، تاریخ در آینه پژوهش، سال هشتم، ش ۳، ص ۱۳۵.

۲. برای آشنایی با ملامتیه و بکتاشیه، رک:

melamlık ve bektaşılık, cavit sunar, Ankara üniversitesi, ilahiat fakültesi yayımlar.

پیروان حمدون قصار (د. ۲۷۱ق) که به سودمندی سرزنش نفس باور دارند و می‌کوشند دانایی‌های خود را پنهان کنند و کاستی‌های خود را علنی کنند تا به یاد نقص‌های خود باشند.

۳. پیروان محیی‌الدین ابن عربی (د. ۶۳۸ق) که چون لقب دیگرش، شیخ اکبر بود به اکبریه مشهور شدند.

۴. طریقتی صوفی که خواجه احمد یسوی (د. ۵۶۲ق) معروف به پیر ترکستان، تأسیس نموده است.

۵. نقشبندیه طریقتی منسوب به خواجه بهاء‌الدین محمد نقشبند بخارایی (د. ۷۱۸ق) است.

۶. طریقتی که خود را منسوب به حاجی بکتاش ولی، زاهد خراسانی می‌دانند.

۷. داود دورسون، دین و سیاست در دولت عثمانی، ص ۱۶۲.

۸. برای نمونه دده قورقورد، کهن‌ترین متن بازمانده ترکی و مجموعه ای از سخنان یکی از دراویش است.

رک:

Əzizxan Tanrıverdi, *Kitabi-Dədə Qorqudun obrazlı dili*, Bakı, Nurlan, 2006.

قلمروی عثمانی قدرت یافتند که قیام باباییان که پیروان طریقت پرنفوذ باباییه در میان عشایر کوچ نشین ترکمن به آن دست زدند به عنوان حرکتی اجتماعی با هدف‌های دینی - سیاسی، یکی از رویدادهایی است که جایگاه شاخه‌های صوفیه را در عثمانی، پس از حامیان شورش بابا اسحاق در آناتولی نشان می‌دهد.

گویا اساس پیوند صوفیان و سیاست عثمانی، وجود نخبگان دینی خانقاه‌ها و مدارس مناطق مختلف جهان اسلام، مانند مصر و ایران بود که از حکومت مغول‌ها می‌گریختند و به مناطق دور افتاده مرزی پناه می‌آوردند و در سازمان‌های حکومتی این مناطق، مسئولیت می‌پذیرفتند و به فعالیت می‌پرداختند.^۱

باباهای ترکمن یا شیوخ طریقت‌های باطنی که معماران معنوی جوامع کوچ نشین‌های ترکمن بودند^۲ نزد مردم و در کاخ بیگ‌ها موقعیت والایی داشتند. برای مثال، کسانی مانند ابدال موسی، ابدال مراد و کومرال ابدال که در کنار بیگ‌های عثمانی و در صحنه‌های اجتماعی، نقشی فعال داشتند، باباهایی مبلغ و مجاهد بودند.

به دلیل آن‌که در دولت عثمانی به صوفیان؛ یعنی اهل طریقت، مسئولیت‌هایی داده می‌شد، اورخان بیگ (۷۲۵-۷۶۲ ق) پس از فتح ایزنیک^۳، نخستین مدرسه عثمانی را در آن‌جا تأسیس کرد و داود قیصری را که اهل تصوف و طریقت بود به عنوان مدرس در آن به کار گمارد.

در واقع، اندیشه سیاسی عثمانی، ادامه تفکر ساسانی بود که لشکر و مال را ضامن بقای قدرت می‌دانست.^۴ همچنین، پایگاه‌های فکری صوفیه در مناطق مرزی که فرهنگ

۱. اینالچق، *امپراتوری عثمانی: عصر متقدم*، ص ۶۴.

۲. همان.

۳. شهری در استان بورسا که در سال ۷۳۱ قمری گشوده شد.

۴. اینالچق، *امپراتوری عثمانی: عصر متقدم*.

عامیانه ترکی غازیان و دراویش که دربرگیرنده دو جریان عرفانی و سلحشوری بود، برقرار بودند.^۱ جالب آن که منابع عربی با شگفتی به وصف صدها درویشی می‌پردازند که همراه براق بابا (د. ۷۰۷ق)^۲ در سال ۱۳۰۷/۷۰۷ به شام آمده بودند و در این باره می‌نویسند:

آنان بر گردن خود غل و زنجیر بسته بودند، ریش خود را تراشیده و سیل‌های بلندی داشتند. در دستان خود شمشیرهای چوبین یا گرزهایی حمل می‌کرد که نوکی خمیده داشت. هم‌چنین به همراه خود نقاره و نی داشتند و زمانی که صدای آنها بلند می‌شد به سرعت شروع به رقص می‌کردند. در حالی که وقعی به نماز و روزه نمی‌گذاشتند.^۳

گویا اصلی‌ترین، عامل پایداری حکومت در عصر چهار سلطان اول عثمانی، هم‌گرایی صوفیه با عثمانی است. پیوند سیاسی جریان صوفیه با عثمانی در سراسر تاریخ عثمانی پر سند است.^۴ همان‌طور که با مرگ عثمان، مجلس کسب فرمان‌دهی و دریافت نشان غزای اورخان به وسیله حسن اخی^۵ و در تکیه او با حضور بزرگان عثمانی منعقد شد.^۶

۱. دورسون، دین و سیاست در دولت عثمانی، ص ۱۷۹.

۲. وی از صوفیان فرقه مولویه در نیمه دوم قرن هفتم هجری بود که زادگاهش توقات (بین قونیه و سیواس) بود و در گیلان کشته شد.

۳. دورسون، دین و سیاست در دولت عثمانی.

۴. شیردل، بررسی نقش و کارکرد طریقه‌های صوفی در امپراتوری عثمانی با تاکید بر طریقت بکتاشیه»، تاریخ در آینه پژوهش، سال هشتم، ش ۳، ص ۱۳۶ به بعد.

۵. اخیان طریقه ای از دراویش بودند که تکاپای خاصی در سراسر قلمروی عثمانی داشتند. حسن پسر اخی یوسف از بزرگان جریان اخیان در دولت عثمانی بود که دروازه‌های شهرهای تازه گشوده شده را از باب تبرک او (حسن) نخست باز می‌کرد.

Ahilik ansikopedidi, Yusuf Küçükdağ, İlhan Şahin, Mustafa Eravcı, Ankara 2014, Atalay Matbaacılık, c2, s169; Ahilik kuruluşu, ilkleri ve fonksiyonları, fahir solak, Istanbul, 2009.

۶. اینالچق، امپراتوری عثمانی: عصر متقدم، ص ۵۵.

Ahilik ansikopedidi, c2, s169 .

۴-۲. حرکت سیاسی به سوی فقه امام آزاد حنفی

ابن بطوطه، جهان‌گرد سرشناس عهد عثمانیان نخستین، آسیای صغیر عهد اورخان را حنفی مذهب می‌داند^۱ اما سبک نگارش این کتاب و درنگ در گزارش‌های بعدی آن، همگانی بودن مذهب حنفی را تأیید نمی‌کند. در کنار آن، پاره‌ای از نوشته‌ها، مذاهب فقهی در میان ترکان آغازگر عثمانی را رد می‌کنند.^۲

با این حال، تأملات تاریخی، گسترده‌گی مذهب حنفی را در بخشی از قلمروی سلجوقیان پیشاعثمانی می‌پذیرند.^۳ آنچه سبب شد این مذهب از سوی عثمانیان پذیرفته شود، یکم، سابقه آن در آسیای صغیر و در خاستگاه اولیه عثمانی‌ها؛ یعنی خراسان بود و دیگر آن که قرشی بودن خلیفه، برخلاف آن که برخی آن را از آرای ابوحنیفه دانسته‌اند^۴ متعلق به ابوحنیفه نبود و علمای حنفی مشرب دوره‌های بعد، این موضوع را به ابوحنیفه نسبت دادند.

با این همه، عثمانی‌ها پس از آن که رویکرد شرقی به خود گرفتند و بیشتر سرزمین‌های عربی را فتح کردند، توانستند در پناه این فقهی، خود را از سر برتافتن اقوام تحت سلطه در امان بدارند. به نظر می‌رسد بحث قرشی بودن حاکم در اندیشه ابوحنیفه، بیشتر یک خرده دیدگاه بود تا یک دیدگاه فقهی^۵، اما ویژگی اساسی فقه حنفی، آسان‌گیری^۶ آن بود که دست کم در بحث سیاست، خلافت را به دادگری مرتبط می‌کرد.

۱. همان، ص ۱۶۱.

2. Cezmi karasu, s 26.

۳. ابن العدیم، بغیة الطلب فی تاریخ حلب، ج ۳، ص ۱۱۴۹.

۴. محمد یوسف ارباب، امام ابوحنیفه، بنیان‌گذار مذهب حنفی، سایت رسمی جماعت و دعوت و اصلاح ایران. تاریخ مراجعه ۱۳۹۴/۴/۱۰

<http://www.islahweb.org/node/567>

۵. ظریفیان، غلامرضا، تئوری خلافت (مروری بر فقه حکومتی متقدمین اهل سنت)، دانشکده ادبیات و علوم انسانی (تهران)، تابستان ۱۳۸۶، دوره ۵۸، ش ۱۸۲.

۶. باغستانی، فقه حنفی در عهد ایلک خانیان، ص ۴۴.

البته پیش‌تر، فقه حنفی در میان ترکان غزنوی^۱ و ایلک‌خانی،^۲ جای خود را باز کرده بود^۳ و در همان عصر نخست عثمانی، نظام تقلید فقهی به خوبی در میان مسلمانان دیده می‌شد.^۴ فقه ابوحنیفه به دلیل هم‌جواری خاستگاه ترکان با آن، شهرت دیگری هم داشت که حتی نماز را به زبان دیگر^۵ جایز می‌شمرد.^۶ در همین راستا، ابوعبدالله بصری شاگرد ابوحنیفه، کتاب *جواز الصلاة بالفارسیة* را نوشته بود.^۷

یکی از افرادی که در این روزگار با عثمانیان حشر و نشر داشت اکمل‌الدین بایرتهی (۷۱۰-۷۸۶)، دانشمند حنفی مذهب است که شرحی بر *الفقه الاکبر* منسوب به ابوحنیفه نوشت.^۸ شاگردان او در گسترش باورهای حنفی در قلمروی عثمانی نقش والایی داشتند.^۹ درست در همان زمان، مجموعه فتاوی فقهی حنفی که بیشتر در راستای شکل‌دهی به سیاست حکومت طرح ریزی می‌شد وارد جامعه شد.^{۱۰}

۱. جرفادقانی، ترجمه تاریخ بیهیمی، ص ۳۹۶؛ مستوفی، تاریخ‌گزیده، ص ۶۹۱.

۲. باغستانی، فقه حنفی در عهد ایلک‌خانان.

3. Aytekin, mehmet ali, Nuh b. mustafa'ninel-kalimaü'ş-şerife fi tenzihi ebi hanife adlı eserinin tahkikli neşri, s 205 .

4. Cici, recep, *İslam hukuk tarihi açısından ilk dönem osmanlı hukuk çalışmalarına bir bakış (1299-1500)*, s 243.

۵. ابن عدی، اکامل، ج ۷، ص ۷؛ سرخسی، المسوط، ج ۱، ص ۳۷.

6. Aydar, *hidayet, türklerde anadilde ibadet meselesi –başlangıçtan cumhuriyet dönemine kadar*, s 54.

۷. ابن ندیم، فهرست، ص ۲۶۱.

۸. اسماعیل پاشا بغدادی، هدیه العارفین، ج ۲، ص ۱۷۱.

9. Koçoğlu, kıyasettin, *Osmanlı'nun başlangıç döneminde Hanefî-Maturîdî algısı: Babertî örneğinden*, bozok üniv.ilahiyat fakültesi.

10. Erken dönem, *hanefi mezhebi eserlerinde ve osmanlı dönemi nüköllü fetva mecmualarında "kitabul –eşribe"*, nergiz önce.

هم‌چنین، شیخ بدرالدین با کتاب *جامع الفصولین* و در پی او، شاگردانش بهترین مبلغان فقه حنفی در آن دوره بودند.^۱ گزارش‌ها، سرشناس‌ترین فقیهان حنفی آن عهد را عبدالله موصلی (د. ۸۳۳ق) صاحب *المختار*، ابن ساعاتی (د. ۹۴۴ق) نویسنده *مجمع البحرین و ملتقی النهرین* و عبدالله بن احمد نسفی (د. ۷۱۰ق) نویسنده *کنز الدقائق* معرفی می‌کنند.

آنچه مهم است این‌که پس از حکومت ترک‌ها بر آسیای صغیر، عده پرشماری از دولت‌مردان ترک و ایرانی تبار، عالمان دین و ترک‌هایی که مشغول فعالیت‌های گوناگون بودند به این ناحیه آمدند.^۲ طوری که در روستاها، ائمه جماعات و شیوخی که در زوایا و خانقاه‌ها به فعالیت صوفیانه می‌پرداختند، حضور داشتند.^۳

فرهنگی که به آن‌جا منتقل شد، متأثر از افکار شیعی و آداب و رسوم عامه بود که با فرهنگ بومیان ارمنی و رومی ترکیب شد.^۴ نخبگان دینی که با لقب بابا شناخته می‌شدند، نه تنها در میان کوچ‌نشینان ترکمن، بلکه در کاخ بیگ‌های مناطق مرزی و سلطان‌ها حضور داشتند.^۵

با این همه، نخستین وابستگی سیاسی فقه حنفی به کارزار عثمانی، مربوط به فتح کاراجا بود که با نخستین خطبه خوانی به نام عثمانیان در این شهر به دست فقیهی به نام دورسون همراه شد.^۶ در آتیه، همین فقها بهترین فتواهای نبرد با همسایگان را به سود عثمانی‌ها صادر کردند. همان‌طور که بایزید با دریافت یکی از این فتواها توانست همه امیرنشین‌ها را به سرزمین عثمانی ضمیمه کند.^۷

1. Hira, Ayhan, SEYH BEDREDDÝN'ÝN CÂMÝU'L-FUSÛLEYN ADLI ESERÝNÝN HANEFÎ FIKIH LÝTERATÛRÛNE KATKISI: ÝBN ÂBÝDÝN ÖRNEGÝ.

۲. دورسون، دین و سیاست در دولت عثمانی، ص ۱۵۸.

۳. همان، ص ۱۶۴.

۴. همان، ص ۱۵۹.

۵. همان، ص ۱۶۸.

6. Murgescu, *Osmanlı imparatorluğu*, S 40.

۷. دورسون، دین و سیاست در دولت عثمانی، ص ۱۹۸-۱۹۹.

البته، نقش نحله‌های مذهبی غیر فقهی در سده نخست و حتی تا سده‌های بعد به اندازه‌ای است که باور حنفی بودن مذهب سیاسی و نه اجتماعی عثمانی در سده‌های آغازین این سلسله بسیار سخت است؛ زیرا ینی چری‌ها که تا قرن‌ها، شناسه عثمانی و تربیت شده مکتب عثمانیان به شمار می‌رفتند، تحت تأثیر شدید بکتاشیه قرار داشتند.^۱

۵. بررسی نظامی

۵-۱. توسعه ساختاری قدرت

سرسلسله رویدادهای دوران تکوین عثمانی به گشودن دژهای اسقاشهر^۲ و قراچه حصار^۳ از سوی عثمان بیگ در این سال بر می‌گردد. پس از او در آغاز دوران اورخان، جبهه نبرد عثمانی به جبهه‌ای ترکمانی مشهور است نه عثمانی^۴. آنچه در این گفتمان رزمی سبب اصلی پیروزی شد، این بود که آنها هرگز فرصت‌های گسترش سرزمینی را از دست ندادند.^۵

عثمانیان نخستین در پناه اسلام به فکر افزایش قدرت سلطانی خود بودند، هیچ کدام از سلاطین دوران تکوین دولت، کمترین فهمی فقهی از نبرد مقدس نداشتند. جریان قدرت ساز دیگری که شانه به شانه امیران عثمانی، قدرت سازی می نمود، کسانی مانند امام، پاپاز و خوجه باشی، رهبران آیینی آن عصر بودند که از یک سو نقش دینی و از سوی دیگر وزنه‌ای اداری در جامعه عثمانی به شمار می‌رفتند.^۶

۱. تقی شیردل، بررسی نقش و کارکرد طریقت‌های صوفی در امپراتوری عثمانی با تأکید بر طریقت بکتاشیه»، تاریخ در آینه پژوهش، سال هشتم، ش ۳، ص ۱۴۱.

2. Eskişehir.

3. Karacahisar.

۴. همان، ج ۲، ص ۱۹۷.

۵. اینار مولند، جهان مسیحیت، ص ۲۹.

6. Eryılmaz, Bilal, s 105.

عثمانیان، جهان را با اندیشه سیاسی خود که برگرفته از ساختار فکری سنی بود به دو بخش تقسیم می‌کردند: دارالحرب و دارالاسلام.^۱ این حقیقت است که آنچه در سال‌های ۱۳۵۴ تا ۱۴۰۲ میلادی به توسعه ساختاری و سرزمینی دولت عثمانی یاری رساند، بیش از آن که نگاه دینی خلیفه باشد، خراج‌های دولت‌های خراج‌گزار، پیمان‌های مشترک با دولت‌های اروپایی، ازدواج‌های سیاسی مشترک سران عثمانی و اروپایی، بهره برداری از رزم‌جویان نظام تیمار و جابه‌جایی ترکمن‌های آناتولی به سرزمین‌های اروپایی بود.^۲

طرح عثمان، یکی از مواردی بود که در سامان‌دهی و گسترش سازمان رزم عثمانیان مؤثر بود. او علمای اسلام را در سازمان سیاست خارجی خود همراه نمود تا از این راه، غازیان را با خود همراه سازد. این تجربه موفق سبب شد او خیلی سریع در رقابت با دیگر خاندان‌های آناتولی، پیش افتد.^۳

عثمانیان با رفتارهای سیاسی خود، ضمن واگذار کردن بخشی از قدرت به دیگران، در یک ساختار کلی قدرت همه را دوباره پس از طی یک مرحله به فرمان خود در می‌آوردند. این روند قدرت‌یابی در یک سده حکومت، نمای قدرت‌مندی از این دولت را ارائه می‌کرد تا این که در سال ۸۰۴ قمری، تیمور لنگ با شکست بایزید، دولت عثمانی را به کُما برد.^۴ جالب آن که حمله تیمور و هزیمت بایزید از دیدگاه کلیسای ارتدکس، معجزه مریم مقدس برای نجات بیزانس قلمداد می‌شد.^۵

۱. فاروقی، ثریا، *الدولة العثمانية و العالم المحيط بها*، ص ۳۷-۳۶.

2. Murgescu, *Osmanlı imparatorluğu*, S 28.

3. Murgescu, *Osmanlı imparatorluğu*, S 27.

4. Abdurrahman Daş, *Ankara savaşı öncesi Timur ile yıldırım bayezid in mektuplaşmaları*, s 144.

5. Ferhan Kırıldökme Mollaoğlu, *Sultan I. Bayezid Dönemine Ait Grekçe Bir Anlatı*, S 142.

۵-۲. پیوند نظامی گری و سیاست

هم‌جواری بیگ نشین عثمانی با بیزانس، شاید بهترین شانس برای همراه کردن اندیشه جنگ و سیاست در این حکومت بود. فتوحات در اندیشه عثمانی در آغاز، چنان پیش رفت که به زودی توانست بیگ‌های دیگر را برای یورش به سرحدات بیزانس با خود همراه سازد. از این رو، چیزی نگذشت که عثمانی به یگانه امیرنشین پیش‌قراولی بدل شد که از سربازان سایر امیرنشین‌ها برای مقاصد خاص خود بهره می‌برد.^۱ عثمانیان پایه گذار، نه تنها از واژگانی مانند شهادت و جانبازی در راه وطن بهره می‌بردند، بلکه با نخستین فتوحات در آناتولی، مسیری نو در تجارت منطقه‌ای به روی خود می‌گشودند.^۲

پاره‌ای از دیدگاه‌ها بر این باور هستند که هیچ منبع موثقی درباره رویدادهای قرن چهاردهم میلادی عثمانیان یا وجود ندارد یا توثیق نمی‌گردد،^۳ اما بررسی سیاسی - نظامی دولت عثمانی در متون پسا نخست می‌تواند درگاهی به سوی دستیابی به مستندات درباره روش نظامی گری و سیاست ورزی آنها باشد. از سوی دیگر شماری از نوشته‌ها باور دارند که نخستین متون مکتوب تاریخ عثمانی به دوره بایزید دوم باز می‌گردند.^۴

بعدها در سده شانزدهم میلادی با یک‌پارچه شدن عثمانی و تشکیل دیوان عدالت، تاریخ نگاری در این حکومت آغاز شد.^۵ براساس گزارش‌های تاریخی، عثمان همه زندگانی

1. norman itzkowitz, *Osmanlı imparatorluğu ve islami gelenek*, S 29.

2. norman Itzkowitz, *Osmanlı imparatorluğu ve islami gelenek*, S 30.

۳. هربرت آدامس کیبونس، عثمانلی ایمبراتورلرک قورولوشی، ص ۷. گفتنی است، تنها در نوشته‌های

فریدون بیگ می‌توان بخشی از نامه‌ها و فرمان‌های سلاطین متقدم عثمانی را یافت.

4. Özcan , Abdülkadir, II. Bayezid Devri Tarihçiliği ve İlk Standart Osmanlı Tarihleri, FSM İlmî Araştırmalar, *İnsan ve Toplum Bilimleri Dergisi*, Sayı/Number 2 Yıl/Year 2013 Güz/Autumn, 2013 Fatih Sultan Mehmet Vakıf Üniversitesi.

5. Timur, Taner, *Osmanlı kimliği*, s 85.

خویش را در راه تصرف سه شهر بیزانس گذراند.^۱ او که هرگز شاهزاده نبود در آغاز کار به شکل بسیار ساده‌ای به اداره امور می‌پرداخت.^۲ نام کامل عثمان، عین الملک علاالدین بود که پس از فتوح، نامش در خطبه‌ها برده می‌شد.^۳

پس از او، پسرش اورخان نظام پرداخت و دیوان خاصی را برای سربازان قرار داد؛ زیرا رسم بود سربازان فقط در حال جنگ گرد می‌آمدند، ولی اورخان این سازوکار را دگرگون کرد و به ضرب سکه اهتمام ورزید.^۴ او یازده سال پس از پیمان صلحی که با امپراتور بیزانس بست در سال ۱۳۳۹ میلادی، از میت را به سود خود ضبط کرد.^۵ هم‌چنین، دختری از دربار بیزانس را به همسری گرفت و رابطه او با آنها به آن جا رسید که ده هزار نفر از سپاه همراهش را به کمک بیزانس گسیل کرد تا طعم شکست را به صرب‌ها بچشانند.^۶

پیش‌تر، عثمان با سیاست برقراری پیوند خانوادگی با دولت‌های هم‌جوار و درست یک دست بالاتر از اسلام فقهی سنی، همسری از میان مسیحیان برای خود برگزید تا رسمی عثمانی را برقرار نماید. با این همه، یکی از جریان‌هایی که سبب شد عثمانیان به خوبی در بالکان پیش بروند، وجود بیگ‌های گماشته و هم‌پیمان عثمانی در آن نواحی بود. آنها چنان به سلطان عثمانی وفادار بودند که گاه، خود برخی از نواحی را به سود عثمانی می‌گشودند و خبر آن را برای سلطان می‌فرستادند. در این بین، کشمکش‌های بیزانس با صرب‌ها و مجارها، بیش از هر کس به نفع عثمانی‌ها تمام شد.^۷

۱. هربرت آدامس کیونس، عثمانلی ایمپراطورلرغربک قورولوشی، ص ۳۵.

۲. همان، ص ۳۶.

۳. ودیع ابوزیدون، تاریخ الامبراطوریه العثمانیه من التأسیس الی السقوط، ص ۲۳.

۴. فرید بک المحامی، التاريخ الدولة العثمانیه، ص ۱۲۲.

5. Ekrem Koçu , Reşad, *Osmanlı Muahedeleri ve Kapitülasyonlar 1300 - 1920 ve Lozan Muahedesi 24 Temmuz 1923*, s7.

6. Koçu, *Ekrem*, s 8.

7. Emecen, Feridun, *Osmanlı Devleti'nin Kuruluşundan Fetret Dönemin*, s 8.

در آن زمان رسم بود، هر جایی که فتح می‌شد، مسلمانان در آن، اذان می‌گفتند و نماز به جا می‌آوردند. این امر بر ناقوس شکست باوری در مسیحیان می‌دمید.^۱ ماجرای حسین بیگ و علی پاشا، فرماندار ادرنه گواهی است بر این که سرداران غیر مسلمان در فتوحات به شاه عثمانی یاری می‌رساندند. همان‌طور که سی قلعه شهر شن نتوانستند در برابر حمله تیمورتاش و یاخچی بیگ که کار شهر را یک‌سره کرد، مقاومت کنند.^۲ ساکنان قلعه‌های اطراف، وقتی این وضعیت و لشکر آماده به سوی خود را مشاهده کردند، کلیدهای قلعه را یک به یک تسلیم کردند تا این قلاع در اختیار عثمانی‌ها قرار گرفت^۳ و این‌گونه، قلعه‌های مدارا شومنو و ونچن فتح شدند.^۴

یک دیدگاه سنتی معتقد است، اهالی آناتولی دروازه‌های شهرهای خود را به راحتی در برابر نیروهای تازه وارد ترک به سرزمینشان می‌گشودند^۵ اما ساختارهای نظامی در این سال‌ها، نقش ارزنده‌ای در توفیق عثمانی داشت و در مواردی گریه برداری آزاد از سنت حکومت دولت اغلییان در آن به چشم می‌خورد.^۶

مراد در گام اول، نظام قاضی عسکر را طرح ریزی کرد^۷ و فرمان دریافت پنج یک یا همان، خمس غنایم را صادر کرد.^۸ بعدها بایزید به عنوان آغازگر رسوم محاکم قضایی

1. Murgescu, *Osmanlı imparatorluğu*, S 43.

۲. همان، ص ۴۳.

۳. همان، ص ۴۲.

۴. همان.

5. KAYA, s 219.

۶. دولت اغلییان، سپاهی از سیسیلی‌ها گردآورده بود که پیشینه حضور نیروهای بینی چری را در میان آنها می‌توان جست؛ چرا که هم‌چون بینی چری‌ها تربیت می‌شدند و مانند دوشیرمه‌ها در عثمانی عمل می‌کردند (ر.ک: جودکی، «اغالبه»، *تاریخ اسلام*، پاییز ۱۳۷۹، ش ۳).

۷. در زبان ترکی دو واژه Kazasker و kadiasker برای این معنا به کار رفته است.

8. http://www.turkcebilgi.com/%C3%A7irmen_sava%C5%9F%C4%B1.1/3/2016.

دولت نوپای عثمانی، با بازگشت به سنت غزا موفق شد نیکوپل در بلغارستان و آق چای را به اطاعت درآورد.^۱

ناگفته نماند در جنگ‌های نخستین عثمانی، اهالی شهرهایی که داوطلبانه تسلیم می‌شدند، از غارت و تجاوز مصون می‌ماندند ولی اگر مقاومت می‌کردند، ناچار به ترک شهر و سپردن آن به ترکان می‌شدند. از این رو، حکومت عثمانی، ترکان آناتولی را ترغیب و در مواردی مجبور می‌کرد در سرزمین‌های تازه فتح شده سکونت گزینند.^۲

عثمانی در آغاز به طور تقریبی هر پنج سال، یک شهر را تسخیر می‌کرد که در میان این شهرها، بورسا که شهر بزرگی بود تا سال ۱۴۰۲ میلادی، اولین پایتخت عثمانیان نام گرفت.^۳ گشودن بورسا^۴ نمایی از همکاری سیاسی عثمانی با بیگ نشین‌های همسایه بود.^۵ پیش‌تر، جنگ‌جویان مراد در سال ۷۶۳ قمری، ۱۳۶۱ میلادی ادرنه را گشودند، کمی بعد در سال ۷۸۵ قمری/۱۳۸۳ میلادی سر سز^۶ و در سال (۷۸۷ قمری/۱۳۸۵ میلادی صوفیه^۷ و به همین ترتیب در سال بعد، نیس^۸ را تصرف کردند. سلانیک^۹ هم در سال (۷۸۹ ق/۱۳۸۷ م) گشوده شد تا پایتخت از بورسا به آن‌جا منتقل شود.^{۱۰} با این همه تا زمان سلطان سلیم، هرگز در نگاه مسلمانان، حکومت عثمانی یک خلافت شرعی نبود.^{۱۱}

1. Daş, Mustafa, *Saint-Denis Ruhbanının Kroniği Adlı Fransız Kaynağına Göre Niğbolu Savaşı*, s 70.

۲. خلیل اینالچق، *امپراتوری عثمانی: عصر متقدم*، ص ۱۲.

3. norman itzkowitz, *Osmanlı imparatorluğu ve islami gelenek*, S 29.

4. Bursa.

5. Emecen, s 6.

6. Serez.

7. Sofya.

8. Niş.

9. Selanik .

10. norman itzkowitz, *Osmanlı imparatorluğu ve islami gelenek*, S 32.

۱۱. ابوزیدون، *تاریخ الامیراتوریة العثمانیة من التأسیس الی السقوط*، ص ۳۱.

سخن اصلی این است که عثمانی برای کشورگشایی‌های خود، دو نظریه را می‌پرورید. یکم این که ورود عثمانی به سرزمین‌های همسایه با عنوان تحت حمایت قرار دادن آن سرزمین‌ها شروع می‌شد و برای آن سرزمین‌ها حاکمانی جدید بر می‌گزیدند و روش سیاسی آنها را طراحی می‌کردند. به همین دلیل پادشاه بلغارستان، کشورش را تحت حمایت عثمانی قرار داد و مدتی بعد، پادشاه صرب‌ها رفتاری چون او را در پی گرفت و با عثمانی‌ها، پیمان هماهنگی در امور بست تا برای خود در سیستم حکومت عثمانی، جایی دست و پا کنند.^۱

موضوع دوم این بود که عثمانی‌ها پس از دست یابی به هر سرزمین، ساختار مدیریت زمین‌های آن را تغییر می‌دادند و با الگوبرداری از نظام اقطاع آل بویه^۲، سازوکاری به نام نظام تیمار^۳ را صورت بندی می‌کردند. در نظام تیمار، زمین‌های کشاورزی سرزمین‌های مفتوح به تیول کسانی در می‌آمد که سپاهی^۴ عثمانی به شمار می‌رفتند.^۵ البته صاحبان قبلی زمین، روی همان ملک کار می‌کردند و سهم خود را برمی‌داشتند.^۶ در حقیقت نظام

1. norman itzkowitz, *Osmanlı imparatorluğu ve islami gelenek*, s 33.

۲. رک: مدخل آل بویه، *دایرة المعارف اسلام*، لیدن، تاریخ مراجعه ۱۳۹۴/۴/۱۵.

http://referenceworks.brillonline.com/entries/encyclopaedia-of-islam-1/buyids-SIM_1654?s.num=145&s.start=140

۳. در نظام تیمار از میان چهل خانواده روستانشین، یک نفر که سن او بین ۸ تا ۱۸ سال سن بود، برگزیده می‌شد. در سده‌های پایانی (قرن ۱۷) عثمانیان این افراد را از رده سنی ۱۵ تا ۲۰ سال انتخاب می‌کردند. در ابتدا فقط قرعه دوشیرمه به نام اهل بالکان می‌خورد، اما بعدها در قرن ۱۶، اهالی آناتولی در لیست دوشیرمه‌ها قرار گرفتند. این افراد در گروه‌های ۱۰۰ تا ۱۵۰ نفری با لباس‌های نیکویی که در برداشتند در حمایت گروهی از ینی‌چری‌ها به سمت استانبول حرکت داده می‌شدند. رک:

norman itzkowitz, *Osmanlı imparatorluğu ve islami gelenek* s 80-81.

۴. سپاهی در سازمان رزم عثمانی، همان نیروهای متداول نظامی بودند که در کنار گارد ویژه ینی‌چری می‌رزمیدند.

5. norman itzkowitz, *Osmanlı imparatorluğu ve islami gelenek*, s 68.

6. *Aynî makale*, s 33-34.

تیمار، نسخه جای‌گزين عثمانی برای سیستم فئودالی بود^۱ و تحریر نام اسنادی بود که تیول در آنها ثبت می‌شد.^۲

در این گیرودار، درگیری‌های ارتدکسی-کاتولیکی، منازعات فئودال‌ها و پادشاهان در کنار ضعف ناشی از وبای سراسری بالکان و اروپا در گشودن این سرزمین‌ها به یاری عثمانی آمده بود.^۳ جالب آن‌که، عثمانی از یک‌سو در سرزمین‌های تازه فتح شده به ترکمن‌ها، زمین اعطا می‌کرد و از سوی دیگر، سرزمین‌های ترکمانی پیرامون خود را یک به یک تصرف می‌کرد.^۴

یکی دیگر از ساختارهایی که عثمانیان نخستین ایجاد کردند، نظام دوشیرمه یا همان ینی‌چری‌ها بود که توسعه نظامی و دولتی مناسبی برای دربار و سپاه به شمار می‌رفت.^۵ سربازگیری در نظام دوشیرمه، فقط شامل حال مسیحیان نبود، بلکه مسلمانان هر از چندی، جوانان خویش را در میان دوشیرمه‌ها می‌دیدند.^۶

نباید فراموش کرد که نظام وزیر اعظم در ساختار دولت عثمانی و نهاد نامه‌نگاری (بورکراسی) از دیگر نظام‌های بسیار کارآمد دولت عثمانی به شمار می‌رفتند که در اقتدار عثمانی و حفظ آن، آثار فراوانی بر جای گذاردند.^۷ ساختار مشاوران فقهی و صوفی که در

1. Emecen, s 7.

2. norman itzkowitz, *Osmanlı imparatorluğu ve islami gelenek*, s 70.

3. Feridun Emecen, s 7.

4. norman itzkowitz, *Osmanlı imparatorluğu ve islami gelenek*, s 35.

5 . norman itzkowitz, *Osmanlı imparatorluğu ve islami gelenek*, s 79 .

برخی معتقدند سازمان ینی‌چری را حاج بکتاش ولی تأسیس کرد (ر.ک: شیردل، بررسی نقش و کارکرد طریقه‌های صوفی در امپراتوری عثمانی با تأکید بر طریقت بکتاشیه، تاریخ درآینه پژوهش، سال هشتم، ش ۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، ص ۱۴۱).

6. Ortaylı, *Osmanlıye yeniden keşfetmek*, s 28.

7. itzkowitz, norman, *Osmanlı imparatorluğu ve islami gelenek*, s 86 – 87 .

دوره غازی‌گری و بیگی، پیشرفت کرده بودند، بعدها با سازوکارهای سیاسی - نظامی جدید در لباس وزارت، صورت تکمیل شده‌ای به خود گرفت.

۶. چهار گانه قدرت، از غازی‌گری تا تشکیل دولت

با وجود پیشینه اندیشه غذا در میان سلجوقیان روم و امیرنشین‌های آناتولی و روملی^۱ برخی معتقدند، نخستین اندیشه غذا را عثمانیان در آناتولی پایه‌گذاری کردند.^۲ با این حال، ورود خاندان عثمان به مرز بیزانس، درست آن‌گاه بود که سلطان علاء‌الدین کیقباد (۱۲۲۱-۱۲۳۷م)، روستاهای سوکوتجوک^۳ و طومانج طاعی را به عثمان ارزانی داشت و منشور ایالت با طبل و علم به نام او نوشت و فرستاد. در کنار این بخشش، مقدار چهارصد دست یراق جبه‌خانه از تیر، ترکش، کمان، جوشن، جبه و سپرها به عنوان انعام و به همراه طبل چاوش برای عثمان ارسال شد. جالب آن‌که در منشور ایالت به فارسی نوشته بودند:

عثمان بیک از جمله بهادران عصر و پهلوانان دهر است و نسبت حقوق سابقه

با سلسله عالیه دارد.^۴

می‌دانیم که بیگ منطقه مرزی، رئیس عشیره خود بود و دولت مرکزی او را تعیین می‌کرد. به جز او، فرد دیگری به نام امیر اوج از مرکز به منطقه گسیل می‌شد. به این ترتیب در مناطق مرزی، دو قدرت وجود داشت: یک. بیگ اوج و دوم. امیر اوج.^۵

1. DÖĞÜŞ, *OSMAN GAZİ'DEN GAZİ MUSTAFA KEMAL'E ANADOLU GAZİLERİ*, s 27 .

2. DÖĞÜŞ, *OSMAN GAZİ'DEN GAZİ MUSTAFA KEMAL'E ANADOLU GAZİLERİ*, s 25 .

3. Söğüt.

۴. بدلیسی، شرفنامه تاریخ مفصل کردستان، ج ۲، ص ۱۱.

۵. دورسون، دین و سیاست در دولت عثمانی، ص ۱۸۷.

در همین زمان؛ یعنی در آغاز کار عثمانی برای بیگ‌های مناطق مرزی از القابی مانند غازی، افتخار‌المجاهدین و شرف‌الغزات استفاده می‌شد. چنان‌که در کهن‌ترین کتیبه بورسا درباره اورخان بیگ، تعابیر امیر کبیر، المعظم‌المجاهد سلطان‌الغزات، غازی ابن‌الغازی شجاع‌الدین و الدین به کار رفته است.

هم‌چنین در کتیبه مسجد اورخان بورسا که در سال ۷۴۰ هـ ق بنا گردیده است، عبارت‌های سلطان‌الغزات و المجاهدین اورخان بیگ^۱ مشاهده می‌شود. دو لقب اختیار‌الدین^۲ و سیف‌الدین^۳ برای اورخان از مشهورترین القاب سیاسی او بودند. همه این‌ها، نمونه‌های گویایی است بر این‌که عنوان بیگ و غازی، نشانه‌ای از تشکیل دولت بود.

در این میان، هم‌زمان با ضعف دولت بزرگ سلجوقی، خاندان‌های هم‌جوار عثمانی؛ یعنی آل‌تکیه، آل‌احمد، آل‌اشرف، قرامانیان، آیدین‌ها، آل‌منتشا، ساروخانیان، آل‌جندار، آل‌ارسلان، بقایای ملوک دانشمندیه^۴ و قراقویونلوها در حال رشد بودند. امیرنشین‌های قرامان اوغلو (بنی قره‌مان)، آل‌حمید، قره‌سی، آیدین‌ها و منتشا و گرمیان اوغلو (بنی گرمیان) هم‌زمان با اورخان هنوز برقرار بودند.^۵ در آناتولی خواه در عثمانی و خواه در جاهای ملوک‌الطوایفی مانند طوایف گرمیان، اسفندار قرسی، آیدین و بنی اورتانا محیطی پدید آمده بود که عنصر رقابت، بخشی از روند تکاملی آن بود.^۶

۱. همان.

۲. لقبی که اورخان درست در زمان خودش به آن خوانده می‌شد (ابن بطوطه، رحله، ج ۲، ص ۱۹۷).

۳. لقبی که بعدها در عصر بایزید، برای اورخان به کار می‌رفت (قلقشندی، صبح‌الأعشی، ج ۸، ص ۱۵).

۴. جمشید روستا، تحلیلی بر چگونگی قدرت‌گیری خاندان محلی دانشمندیان (آل دانشمند) در آناتولی،

پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، ش ۱۳.

۵. ابن بطوطه، رحله، ج ۲، ص ۱۵۵-۲۱۰.

۶. قره‌خان، تکامل شعر در ادبیات عثمانی و تاثیر ادبیات ایران در آن، ص ۵.

البته کمی جلوتر، اتحاد میان خاندان‌ها سبب در دسر آفرینی برای عثمانی‌ها شد. چنان‌که خاندان ارتنا و قرامان با یک‌دیگر متحد شدند و آنکارا را گرفتند.^۱ با این همه، امیرنشین عثمانی پس از فتح بورسا در سال ۷۲۶ق/۱۳۲۶م که پس از بیست و پنج سال پایتختی ینی شهر،^۲ عنوان پایتخت را به خود می‌دید، شروع به ایجاد نظام سیاسی-اداری کرد.

در واقع، دولت عثمانی پس از فتح بورسا شکل گرفت.^۳ چنان‌که رفتار امیران عثمانی، این معنا را تأیید می‌کند. همان‌طور که اورخان بیگ پس از فتح بورسا به نام خود سکه زد (۱۳۲۷م) و برای عمران و آبادی شهرها کوشید و برای تربیت افراد متخصص، مدرسه‌هایی را بنیان گذارد.^۴ در آن سوی، اشراف ترکی که ریشه در سلجوقیان، ایلخانیان و امیرنشین‌های آناتولی داشتند و از حکومت سلجوقیان و ایلخانیان تأثیر پذیرفته بودند در این دوره بسیار مؤثر بودند.^۵

یک نظریه معتقد است، حکومت عثمانی با پذیرش اسلام و امتزاج جمعیت یونانی حوضه مرمره با مسلمانان، امپراتوری بیزانس را در کالبد حکومتی اسلامی احیا کرد.^۶ از این‌که بگذریم، درک سهولت فتوحات عثمانیان در بالکان دشوار نیست؛ زیرا یورش عثمانیان هم‌زمان بود با دوره جناح بندی سیاسی، زمانی که بسیاری از شاهان و امیران مستقل امارت‌های کوچک بالکان در کسب کمک از بیرون برای فیصله منازعات داخلی خود درنگ نمی‌کردند.^۷

۱. اینالچق، امپراتوری عثمانی: عصر متقدم، ص ۱۶.

2. Yenişehir.

۳. اهمیت تصرف این شهر در متون تفسیری بازتاب یافته است (رک: تفسیر روح البیان، ج ۴، ص ۲۹).

۴. ابوزیدون، تاریخ الامبراطوریه العثمانیه من التأسيس الی السقوط، ص ۴۵.

۵. دورسون، دین و سیاست در دولت عثمانی، ص ۲۲۰.

۶. اینالچق، امپراتوری عثمانی: عصر متقدم، ص ۸.

۷. همان، ص ۱۴.

آن‌گاه که امارت‌های کوچک آناتولی به رسمیت شناختن حکومت پسر اورخان (۷۲۵-۷۶۸ ق)؛ یعنی مراد (۷۶۲-۷۸۸ ق) را آغاز کردند، او القاب خداوندگار و سلطان اعظم را به خود اختصاص داد که پیش‌تر درباره سلاطین سلجوقی به کار می‌رفت. جانشین وی بایزید (۷۶۱/۸۰۵ ق - ۱۳۶۰/۱۴۰۳ م) نخستین حاکم عثمانی است که منابع معاصر غربی از او با عنوان امپراتور یاد می‌کنند.^۱ او در سال ۷۹۶ هجری از خلیفه عباسی قاهره درخواست رسمی شدن لقب خود، سلطان روم را کرد که لقبی خاص حاکمان سلجوقی آناتولی بود.^۲ می‌توان گفت که همه این‌ها تا حدودی برگرفته از نظام قدرت ساسانی بود که چهار شاخه اداری در حکومتشان تعبیه کرده بودند: ۱. شاخه سیاسی؛ ۲. دستگاه قضا؛ ۳. خزانه و ۴. دبیرخانه. شورای سلطنتی مهم‌ترین بخش حکومت بود که از سوی شاه برای گوش فرادادن به شکایت‌های مردم از کارگزاران و رفع مظالم تشکیل می‌شد.

این کارکردهای بنیادین حکومت خاورمیانه‌ای تا زمان برآمدن امپراتوری عثمانی دست نخورده باقی مانده بودند.^۳ در اوایل سده ۹ ق/۱۵ م دیوانیانی که از مراکز پیشین حکومت سلجوقیان در آناتولی یا از ایران و مصر به دربار عثمانی می‌آمدند، مفاهیم خاورمیانه‌ای باستانی حکومت‌داری و دیوانی‌گری را در عمق وجود این امپراتوری نوپا و به سرعت در حال توسعه، غرس کردند.^۴

در این حال، پیشرفت فتوحات سبب تشویق دیگران شد و درآمدهای غازیان بقیه را به این امور ترغیب می‌کرد.^۵ اگر بار دیگر به بحث نظری ریاست برگردیم، تفاوت جایگاه

۱. همان.

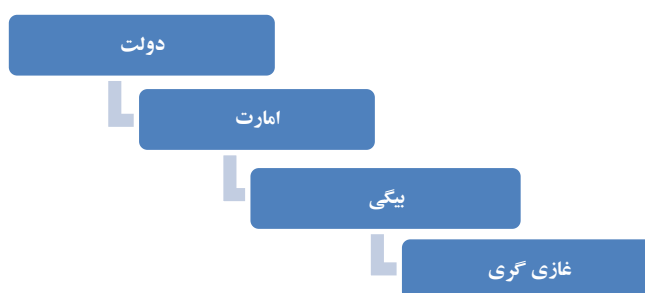
۲. همان، ص ۵۵-۵۶.

۳. همان ص ۶۷.

۴. اینالچق، امپراتوری عثمانی: عصر متقدم، ص ۶۴.

۵. همان، ص ۱۶.

مقام خان در نظام ترکی با سلطان در نظام غازیان عثمانی، پدیده ای نو بود.^۱ پایتخت‌های نخستین عثمانی به خوبی نشان دهنده نظم سلطانی این خاندان بود. نگاهی به آنها و جابه‌جایی ایشان از ینی شهر به بورسا و از آن جا به ادرنه، نشانه‌ای از وضعیت ترابری ساختار قدرت و تغییر شکل این خاندان از ساحتی ساده به دولتی ساختارمند بود. روند رو به بالای شکل‌گیری دولت در عثمانی عصر تکوین دولت



۷. برآیند

ویژگی اصول سیاسی جهاد، مرزبانی و جغرافیایی متصرفات نخستین از مهم‌ترین شاخصه‌های مطالعاتی این سلسله در پیروزی‌های باور نکردنی است. نظام سیاسی عثمانی هم‌زمان از شاخصه‌های رزمی، فقهی، زبانی و تبلیغی بهره برد تا این که سرزمین فراخی را به زیر فرمان درآورد. در واقع، مجموعه این مؤلفه‌ها، فرایندی را شکل داد تا گام‌های بلند غازی‌گری به بیگی و سپس امارت و در پایان تبدیل به دولت عثمانی را در همان سده نخست به نظاره بنشینند.

در این بین، راهبرد بهره‌گیری از فرصت‌ها و در اختیار داشتن اندیشه جنگاوری ترکی که صورت اسلامی غزا به خود گرفت به همراه سرزمین‌هایی که حاکمان مسیحی آنها درگیر جنگ‌های درونی بودند، ترکان مسلمان را با اشتیاق به این دیار کشانید.

۱. همان ص ۵۶.

حضور نظام جدید باوری که صوفیان و نحله‌های پیشین ترکی، آن را در کنار سبک جدیدی از اسلام‌گرایی ارائه می‌کردند، سبب شد مسیحیان و شهروندان بیزانس که شکست‌های پی‌در پی صلیبی و قدرت ترکان تازه وارد، تمام امیدهایشان را بر باد داده بود، عثمانی را به عنوان دولتی نو بپذیرند.

چهار گام سیاسی در شکل‌گیری این دولت، شامل غازی‌گری، بیگی، امارت و تشکیل دولت در نخستین سده حکومت عثمانی، چشم‌اندازی بر تحولات سیاسی دوره‌های پسین این امپراتوری است. اکنون، عثمانی با هر ملاحظه‌ای، نسخه مطالعاتی دورانی از فتوح نگری در میان مسلمانان و قلمروی فراخ رو به غرب است که بستری مناسب برای شناخت اندیشه‌های گوناگون سیاسی-نظامی آن دوران به شمار می‌رود.

منابع

۱. آدامس کیبونس، هربرت، *عثمانلی ایمبراطورلنک قورولوشی*، ترجمه راغب خلوصی، استانبول: دولت مطبعه سی، ۱۹۲۸ م.
۲. ابن بطوطه، *رحله ابن بطوطه*، الرباط: اکادیمیة المملكة المغربية، ۱۴۱۷ ق.
۳. ابن عدی، عبدالله، *الکامل*، تحقیق یحیی مختار غزوی، چاپ سوم، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۹/۱۹۹۸ م.
۴. ابن العدیم، عمر بن احمد، *بغیة الطلب فی تاریخ حلب*، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۵. ابن ندیم، فهرست، تحقیق رضا تجدد، تهران: بانک بازرگانی، ۱۳۴۶.
۶. ابو زیدون، ودیع، *تاریخ الامپراطوریة العثمانیة من التأسیس الی السقوط*، عمان: الاهلیه، ۲۰۰۳ م.
۷. اینالجق، خلیل، *امپراتوری عثمانی: عصر متقدم*، ترجمه کیومرث قرقلو، تهران: بصیرت، ۱۳۸۸.
۸. باغستانی، محمد، «فقه حنفی در عهد ایلک خانیان»، *مطالعات اسلامی*، پاییز ۱۳۸۲، ش ۶۱.
۹. بدلیسی، شرف خان، *شرفنامه تاریخ مفصل کردستان*، تهران: اساطیر، ۱۳۷۷.
۱۰. بغدادی، اسماعیل پاشا، *هدیة العارفین*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۱۱. جرفادقانی، ترجمه تاریخ یمینی، تحقیق جعفر شعار، چاپ سوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.
۱۲. دورسون، داود، *دین و سیاست در دولت عثمانی*، مترجم منصوره حسینی و داوود وفایی، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۱.
۱۳. روستا، جمشید، «تحلیلی بر چگونگی قدرت گیری خاندان محلی دانشمندیان (آل دانشمند) در آنا تولی»، *پژوهش های تاریخی ایران و اسلام*، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، ش ۱۳.
۱۴. ریاحی، محمد امین، «نفوذ زبان ادبیات فارسی در قلمرو عثمانی»، *یغما*، اردیبهشت ۱۳۴۹، ش ۲۶۰.
۱۵. _____، «مولوی و ادبیات مولویه»، *پژوهشنامه ادب حماسی*، دوره ۵، ۱۳۸۸، ش ۹.
۱۶. ریتر، کارل ف، *آرایش ساختمانهای ایرانی و عثمانی*، تبادل شیوه های معماری در سده های یازدهم (ششم هجری) تا چهاردهم میلادی (نهم هجری)، ترجمه مسعود رجب نیا، هنر و مردم، ۱۳۴۸، ش ۸۹.
۱۷. سرخسی، محمد بن احمد، *المبسوط*، قاهره: مطبعه الاستقامة، بی تا.
۱۸. شیردل، تقی، «بررسی نقش و کارکرد طریقه های صوفی در امپراتوری عثمانی با تاکید بر طریقت بکتاشیه»، *تاریخ در آینه پژوهش*، سال هشتم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، ش ۳.

۱۹. فاروقی، ثریا، *الدولة العثمانية و العالم المحيط بها*، ترجمه حاتم الطحاوی، بریطانیا: دارالمدار الاسلامی، ۲۰۰۸ م.
۲۰. فرید بک المحامی، محمد، *التاریخ الدولة العثمانية*، تحقیق احسان حققی، بی‌جا: دارالنفائس، ۱۹۸۸/۵۱۴۰۸ م.
۲۱. قره خان، عبدالقادر، تکامل شعر در ادبیات عثمانی و تأثیر ادبیات ایران در آن، *دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، سال چهاردهم، فروردین ۱۳۴۶، ش ۴.
۲۲. قلقشندی، احمد بن علی، *صبح الأعشى فی صناعة الإنشاء*، بیروت: دار الکتب العلمیه، بی‌تا.
۲۳. ظریفیان، غلامرضا، *تتوری خلافت (مروری بر فقه حکومتی متقدمین اهل سنت)*، *دانشکده ادبیات و علوم انسانی (تهران)*، تابستان ۱۳۸۶، ش ۱۸۲.
۲۴. گودرزی، معصومه، «روابط اروپا با دربار مغول»، *پارسه*، اردیبهشت و آبان ۱۳۹۱، ش ۱۸-۱۹.
۲۵. مدخل آل بویه، *دایرة المعارف اسلام*، لیدن، تاریخ مراجعه ۱۳۹۴/۴/۱۵.
۲۶. مستوفی، حمد الله، *تاریخ‌گزیده*، تحقیق عبدالحسین نوایی، ج ۳، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴.
۲۷. مولند، اینار، *جهان مسیحیت*، ترجمه محمد باقر انصاری و مسیح مهاجری، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۸.
28. Akman, Mehmet, *Osmanlı devletinde kardeş katli*, Birinci basım, Istanbul, 1997.
29. Aydar, hidayet, *türklerde anadilde ibadet meselesi –başlangıçtan cumhuriyet dönemine kadar*, İstanbul Üniversitesi İlahiyat Fakültesi Dergisi [Darulfunun İlahiyat], 2006, sayı: 14, s 47-65.
30. -Aytekin, mehmet ali, *Nuh b. mustafa'ninel-kalimaü'ş-şerife fi tenzihi ebi hanife adli eserinin tahkikli neşri*, İmam –azamebu hanife özel sayısı, İslam hukuku araştırmalar dergisi.
31. Biçer, Bekir , *Selçuklula ve kürtler* , International Journal of Social Science ,Volume 6 Issue 2, February 2013.
32. Cahen, claude, *çeviren Yaşar yucel - Bahaeddin yediöldüz*, Türklerin Anadolu'ya ilk girişi : (XI. yüzyılın ikinci yarısı), Ankara : Türk Tarih Kurumu basımevi, 1988.

33. Cici, recep, *İslam hukuk tarihi açısından ilk dönem osmanlı hukuk çalışmalarına bir bakış (1299-1500)*, Uludağ Üniversitesi İlahiyat Fakültesi Dergisi, Volume 6, Issue 1 .
34. Çöllüoğlu, Sami, *Cihat Hakkında Ehl-i İslama, Asker-i İslama Kürsi-i İslam'dan Bir Hitap*, İnsan ve Toplum Bilimleri Araştırmaları Dergisi, 2014| Cilt.3, Sayı: 1
35. Drury, neville, *Şamanizm, şamanlığın öğeleri, çeviren erkan şimşek, okyanus, 1996.*
36. Daş, Abdurrahman, *Ankara savaşı öncesi Timur ile yıldırım bayezid in mektuplaşmaları*, Selçuk Üniversitesi Türkiyat Araştırmaları Dergisi, Sayı 15, 2004.
37. Daş, Mustafa, *Saint-Denis Ruhbanının Kroniği Adlı Fransız Kaynağına Göre Niğbolu Savaşı*, Tarih İncelemeleri Dergisi Cilt/Volume XXVII, Sayı/Number 1 Temmuz/July 2012.
38. Döğüş, Selahattin, *Osman Gazi'den Gazi Mustafa Kemal'e Anadolu Gazileri* , Afyon Kocatepe Üniversitesi Sosyal Bilimler Dergisi, Cilt: 9, Sayı: 1, Sayfa Aralığı: 25-50.
39. Ekrem Koçu , Reşad, *Osmanlı Muahedeleri ve Kapitülasyonlar 1300 - 1920 ve Lozan Muahedesi 24 Temmuz 1923*, İstanbul : Muallim Ahmet Halit Kitaphanesi, 1934.
40. Ekincilik, Mustafa, *Türk ortodoksları*, Ankara, siyasal kitabevi, 1998.
41. Emecen, Feridun, *Osmanlı Devleti'nin Kuruluşundan Fetret Dönemin, türkler*, cilt9, Osmanlı, Yeni türkiye yayınları, Ankara, 2002.
42. Eryılmaz, Bilal, *Osmanlı Devletinde Gayrimüslim Tebaanın yönetimi*, İstanbul, Risale.
43. Ferhan, Kırıldökme Mollaoğlu, *Sultan I. Bayezid Dönemine Ait Grekçe Bir Anlatı*, Ankara Üniversitesi Osmanlı Tarihi Araştırma ve Uygulama Merkezi Dergis, Sayı:24, Sayfa Aralığı: 129-146, 2008.

44. Gábor Ágoston, Bruce Masters, *Encyclopedia of the Ottoman Empire*, New York, 2008.
45. Gel, Mehmet, *Kuruluş Devri Osmanlı "Fakı" Zümresinin Tipik Bir Öncüsü : Tursun Fakı, osmanlı tarihi araştırma ve uygulama merkezi*, say 26/güz 2009.
46. Haldun, Eroğlu, *Osmanlıların 1453 Öncesi İstanbul Kuşatmaları*, Tarih Araştırmaları Dergisi, Cilt: 22 Sayı: 35, Yayın Tarihi: 2004 .
47. Hira, Ayhan, *ŞEYH BEDREDDİN'İN CÂMİU'L-FUSÛLEYN ADLI ESERİNİN HANEFİ FIKIH LİTERATÜRÜNE KATKISI: İBN ÂBİDİN ÖRNEĞİ*, C.Ü. İlahiyat Fakültesi Dergisi, 2012, Cilt: XVI, Sayı: 1 Sayfa: 221-243.
48. Gökalp, ziya, *Türk devletinin tekamülü, hazırlayan kazım yaşar koraman*, kültür bakanlığı yayınları, 1981.
49. Ibret, Ünal, *Tarihi İpek Yolu üzerindeki bir Anadolu şehri Tosya (kuruluşu ve gelişmesi)*, Atatürk Eğitim Fakültesi Makale Koleksiyonu, 2004.
50. Inan, Abdülkadir, *Tarihte ve bugün şamanizm Materyaller ve araştırmalar*, II.Baskı, Ankara, Türk tarih kurumu basımevi, 1972.
51. -Inalcık, Halil, *Osmanlı Devleti'nin Kuruluşu*, TÜRKLER, CİLT 9, OSMANLI, ANKARA, YENİ TÜRKİYE YAYINLAR, 2002.
52. Itzkowitz, norman ,*Osmanlı imparatorluğu ve islami gelenek*, türkçesi:ismet özel, çıdam yayınları.
53. Kaya, Abdullah, *Başlangıcından 1071'e Kadar Türklerin Anadolu'ya Akınları Hakkında Bir Değerlendirme*, EKEV AKADEMİ DERGİSİ Yıl: 18 Sayı: 59 Bahar 2014.
54. Karasu, Cezmi, tuğçe m sakarya, oktay berber, *Osman gazi ilkler ve karacahisar*, odunpazarı belediyesi, kültür yayınları, 2010.
55. Koç, yunus, fatih yeşil, *nizamı cadıd kanunları(1791-1800)*, türk tarih kurumu basımevi, Ankara, 2012.

56. Koçoğlu, kıyasettin, *Osmanlı'nın başlangıç döneminde Hanefî-Maturîdî algısı: Babertî örneğinden*, bozok üniv.ilahiyat fakültesi.
57. Mumcu, ahme , *osmanli devletinde siaseten katl* , Ankara, ajans türk matbası, 1963.
58. Murgescu, Bogdan, *Osmanlı imparatorluğu*, çeviren Berkat, halil, hasan tahsin özkaya, *CDRSEE (Güneydoğu Avrupa Demokrasi ve Uzlaşma Merkezi)*, selanik, 2008.
59. Özcan , Abdülkadir, *II. Bayezid Devri Tarihçiliği ve İlk Standart Osmanlı Tarihleri*, FSM İlmî Araştırmalar, İnsan ve Toplum Bilimleri Dergisi, Sayı/Number 2 Yıl/Year 2013 Güz/Autumn, 2013 Fatih Sultan Mehmet Vakıf Üniversitesi .
60. Önce, Nergiz, *Erken Dönem Hanefî Mezhebi Eserlerinde Osmanlı Dönemi Nüküllü FetvâMecmualarında "Kitâbu'l-eşribe"*, <http://dergipark.gov.tr/download/article-file/153709>.
61. Ortaylı, İlbar, *Osmanlıye yeniden keşfetmek*, 37.baskı, istanbul, timaş, ekim 2013.
62. Şener, Cemal, *Şamanizm*, 1.baskı, AD yaylık kitaplar dizisi, mart 1997.
63. Timur, Taner, *Osmanlı kimliliği*, hil yayın.
64. http://www.turkcebilgi.com/%C3%A7irmen_sava%C5%9F%C4%B1.1/3/2016.

نقشه‌های عثمانی در دوران تکوین دولت



عثمانی در روزگار عثمان بیگ



عثمانی در دوره اورخان



عثمانی در عهد مراد اول



عثمانی در عصر بایزید اول



بیگ نشین های آناتولی هم دوره عثمان

